

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده زبان‌شناسی
گروه زبان‌شناسی همگانی

پایان‌نامه دکتري رشته زبان‌شناسی همگانی

مبانی نظری دانش زبان

در احصاء العلوم، دانشنامه‌ی علایی و الکتاب

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید مصطفی عاصی

استادان مشاور:

جناب آقای دکتر یحیی مدرسی تهرانی

جناب آقای دکتر محمد دبیر مقدم

پژوهشگر:

الهه دفتری نژاد

دی ماه ۱۳۹۲

سپاسگزاری

آغاز می‌کنم با شکر و سپاس پروردگار مهربان و با سپاس و درود بی‌پایان بر تمامی استادان بسیار ارجمندم که برخورداری از محضر هر یک فرصتی بی‌مانند در زندگی‌ام بود. از ایشان بسیار آموختم، آنچه را که به قول حضرت حافظ «در یکی نامه محال است که تحریر کنم». گزیرایی و شیوایی سخنان ایشان بود که دشواری مسیر دانش‌اندوزی را برایم هموار ساخت. نگرش ایشان نسبت به آنچه که آموزش می‌دادند، همواره، نگرش یک منتقد اندیشمند بود. همین نگرش بود که مرا به سمت مطالعه‌اندیشه‌های تاریخ علمی ایران هدایت نمود، تا از این رهگذار درسی را بشنوم که بایسته بود و پاسخی را بیابم که خواسته بود.

و سپاسی دگرباره از استادان بسیار ارجمندی که راهنمایی و مشاوره این پایان‌نامه را بر عهده داشتند، جناب آقای دکتر سید مصطفی عاصی، جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم و جناب آقای دکتر یحیی مدرس‌تهرانی. نظریات و راهنمایی‌های ارزشمند این بزرگواران در چیره شدن بر دشواری‌های اساسی این پژوهش نقش بسیار داشته و نگرش ایشان نسبت به تاریخ مطالعه دانش زبان در ایران است که مفاهیم اصلی و قالب کلی این پایان‌نامه را شکل داده است. همچنین، از استادان بسیار ارجمندی که داوری این پایان‌نامه را بر عهده داشتند، سرکار خانم دکتر شهین نعمت‌زاده و جناب آقای دکتر محمدتقی راشد محصل بسیار سپاسگزارم.

و سپاسی صمیمانه از پدر و مادر بسیار عزیز و ارجمندم که نخستین آموزگاران من بوده‌اند، از همسر بسیار گرامیم که همراهی ایشان امیدبخش زندگی است و از دختر بسیار نازنینم که همواره همگام من بوده است. لطف و صفای این دوستان و یاران صمیمی است که دنیا را برایم زیباتر کرده است.

همچنین، از سرکار خانم دکتر ناجیه کاشانی و جناب آقای دکتر عبدالحسین فرزاد که در درک متن عربی نگارنده را یاری نمودند، از تمامی استادان و اندیشمندان حوزه‌زبان‌شناسی و حوزه‌های وابسته که با نشر کتاب و سخنرانی‌های خویش پیمودن مسیر تحقیق را بر این نگارنده ممکن نمودند، از دوستان و هم‌کلاسی‌های بسیار خوبم و نیز از تمامی کارمندان محترم بخش‌های مختلف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایم. از پروردگار متعال برای تمامی خوبان سرزمینم بهترین‌ها را خواستارم.

تقدیم به آنان که دانش آموختند

چکیده

در این رساله، گزیده‌ای از سه اثر تاریخی شامل: *احصاء العلوم* ابونصر فارابی، *دانشنامه‌ی علایی* ابن‌سینا، و *الکتاب سیبویه* مورد تجزیه و تحلیل مفهومی قرار می‌گیرد. بخش‌های برگزیده از این آثار به ترتیب عبارت‌اند از: فصل‌های اول و دوم از *احصاء العلوم*، مبحث دانش لفظ مفرد از منطق *دانشنامه‌ی علایی*، و شش فصل نخست از *الکتاب*. در این پژوهش، بررسی سیر تحول مطالعه‌ی زبان در این آثار تاریخی مورد نظر نیست، بلکه هدف دستیابی به مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها، ابزارها، و الگوهای توصیف زبان است که بتواند مبانی نظری مطالعه‌ی زبان یا سنت فکری موجود در این زمینه را، که در این آثار مستتر است، توضیح دهد. این پژوهش شامل سه بخش است:

در بخش اول، دو فصل از ابتدای *احصاء العلوم* مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. ابونصر فارابی در این اثر به دسته‌بندی دانش‌ها می‌پردازد. در این دسته‌بندی مطالعه‌ی دانش زبان و بخش‌های آن نخستین دانشی است که معرفی می‌شود. پس از آن، دانش منطق قرار می‌گیرد که با مبحث اصول مشترک (همگانی‌های) زبان آغاز می‌شود. بررسی *احصاء العلوم* نشان می‌دهد که از نظر ابونصر فارابی همگانی‌های زبان، هم مقدمات منطق بوده است و هم بخشی از دانش زبان.

در بخش دوم، به منظور آگاهی از مفاهیمی که در سرآغاز رساله‌های منطقی همین دوران (یعنی قرن‌های نخست هجری)، به عنوان اصول مشترک زبان معرفی می‌شده است، بخشی از منطق *دانشنامه‌ی علایی* مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در این بررسی، برخی از اصول مشترک زبانی مطرح شده در *دانشنامه‌ی علایی* بازگو می‌شود. در این بخش همچنین، خلاصه‌ای از نظریه‌ی ابن‌سینا با عنوان «نظریه‌ی خیال»، که در *دانشنامه‌ی علایی* در شرح همگانی‌های معناشناسی به کار رفته است، توضیح داده می‌شود.

پس از این دو بخش، که تا حدودی فضای فکری و رویکردهای نظری قرن‌های نخست هجری را پیرامون مطالعه‌ی دانش زبان شرح می‌دهد، در بخش سوم، شش فصل نخست *الکتاب* (از مجموع هفت فصل ابتدای اثر، که مجموعاً رساله نامیده شده) بررسی می‌شود. در این بررسی، نخست، متن عربی این شش فصل به فارسی ترجمه می‌شود؛ پس از آن، متن اثر مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد و الگوهای توصیفی و مؤلفه‌های نظری آن با تمرکز بر اصطلاحات فنی متن شرح داده می‌شود. در تجزیه و تحلیل متن *الکتاب*، از مؤلفه‌های نظری ارائه شده در دو بخش پیش (منظور بخش‌های مربوط به بررسی *احصاء العلوم* و *دانشنامه‌ی علایی*) استفاده می‌شود. علاوه بر آن، از ابزارهای نظری دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و دستور زایشی چامسکی در ارائه‌ی تجزیه و تحلیل‌ها استفاده می‌شود. در برخی از مباحث نیز با رویکردی تطبیقی

مقایسه‌هایی میان مبانی نظری *الکتاب* و نظریات مذکور (هم سنتی و هم معاصر) انجام می‌شود. در این بخش همچنین، ارتباط *الکتاب* با فلسفه‌های کهن ایرانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها : سیبویه، ابن سینا، فارابی، *الکتاب*، *دانشنامه‌ی علایی*، *احصاء العلوم*.

فهرست مطالب

۱. کلیات پژوهش

۱ ۱-۱. مقدمه
۴ ۲-۱. مسئله مورد پژوهش و ضرورت آن
۶ ۳-۱. قلمرو زمانی و مکانی پژوهش
۶ ۴-۱. موضوع پژوهش و اهداف آن
۷ ۵-۱. نوع پژوهش و کاربردهای آن
۷ ۶-۱. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش
۸ ۷-۱. ساختار پژوهش
۸ ۱-۷-۱. ارتباط میان متون مورد بررسی
۱۰ ۲-۷-۱. مطالبی پیرامون سبک نگارش
۱۱ ۳-۷-۱. تعریف اصطلاحات خاص
۱۲ ۴-۷-۱. نحوه فصل‌بندی

۲. روش‌شناسی پژوهش

۱۴ ۱-۲. مقدمه
۱۴ ۲-۲. روش پژوهش
۱۶ ۳-۲. روش گردآوری داده‌ها
۱۸ ۴-۲. کارآموزی جهت آماده‌سازی داده‌ها
۲۰ ۵-۲. آماده‌سازی داده‌های گردآوری شده
۲۰ ۶-۲. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها
۲۱ ۱-۶-۲. تحلیل تفسیری و تحلیل ساختاری
۲۲ ۲-۶-۲. تحلیل تأملی
۲۲ ۱-۲-۶-۲. تحلیل پدیدارشناسی
۲۵ ۲-۲-۶-۲. تحلیل هرمنوتیک
۲۶ ۷-۲. ابزارهای نظری نقش‌گرایی و صورت‌گرایی
۲۷ ۸-۲. دلیل انتخاب روش

۳. پیشینه پژوهش، مروری بر نوشتگان

۲۹۱-۳-۱. مقدمه.....
۳۰۲-۳-۲. مروری بر پیشینه پژوهش در ایران.....
۳۱۱-۲-۳. ذبیح‌الله صفا.....
۳۱۲-۲-۳. محمد محمدی ملایری.....
۳۲۳-۲-۳. محمدحسین اسکندری.....
۳۲۴-۲-۳. محمد فاضلی.....
۳۳۵-۲-۳. استفان پانوسی.....
۳۴۶-۲-۳. مروری بر پایان‌نامه‌های دهه هفتاد.....
۳۴۱-۶-۲-۳. طه پیام.....
۳۵۲-۶-۲-۳. رؤیا دبستانی.....
۳۵۳-۶-۲-۳. غلام‌حسین نودهی.....
۳۶۴-۶-۲-۳. فائزه ارکان.....
۳۶۵-۶-۲-۳. عباس حسین پوردهنوی.....
۳۶۷-۲-۳. پروانه فرخنده.....
۳۷۸-۲-۳. فتح‌الله مجتبابی.....
۳۸۹-۲-۳. کورش صفوی.....
۳۹۱۰-۲-۳. مروری بر پایان‌نامه‌های دهه هشتاد و بعد از آن.....
۳۹۱-۱۰-۲-۳. نصیر شفیع پورمقدم.....
۴۰۲-۱۰-۲-۳. نادیا مفتونی.....
۴۰۳-۱۰-۲-۳. محمدعرفان سلیمی.....
۴۱۴-۱۰-۲-۳. فرناز خندان.....
۴۱۱۱-۲-۳. محمد دبیرمقدم.....
۴۲۱۲-۲-۳. غلامحسین ابراهیمی دینانی.....
۴۳۱۳-۲-۳. مریم صانع‌پور.....
۴۳۱۴-۲-۳. قاسم پورحسن.....
۴۴۱۵-۲-۳. محمد باهر.....
۴۴۳-۳-۳. مروری بر پیشینه پژوهش‌های خارجی.....
۴۵۱-۳-۳. هانری کربن.....
۴۵۲-۳-۳. مایکل کارتر.....
۴۶۳-۳-۳. کیس ورستیگ.....

۴۷ ۴-۳-۳. جاناتان أونز.....
۴۸ ۵-۳-۳. جورج بوهاس و همکاران.....
۴۹ ۶-۳-۳. ایسا ایتکونن.....
۴۹ ۷-۳-۳. سلیمان سارا.....
۵۰ ۸-۳-۳. عامل مروجی.....
۵۰ ۴-۳-۳. جمع‌بندی پیشینه پژوهش.....

۴. مبانی نظری دانش زبان در احصاءالعلوم، دانشنامه‌ی علایی و الکتاب

۵۳ ۱-۴. مقدمه.....
۵۳ ۲-۴. مؤلفه‌های توصیف دانش زبان در احصاءالعلوم.....
۵۵ ۱-۲-۴. زبان دانش نخستین.....
۵۶ ۲-۲-۴. تعریف دانش زبان و بخش‌های آن.....
۶۱ ۳-۲-۴. دانش منطق و اشتراک و تناسب آن با نحو زبان.....
۶۳ ۴-۲-۴. نطق درونی و نطق بیرونی.....
۶۴ ۵-۲-۴. قوه نطق و فراگیری زبان.....
۶۶ ۶-۲-۴. اهمیت برهان.....
۶۷ ۷-۲-۴. جمع‌بندی بحث احصاءالعلوم.....
۶۹ ۳-۴. مؤلفه‌های توصیف دانش زبان در منطق دانشنامه‌ی علایی.....
۷۰ ۱-۳-۴. منطق در دانشنامه‌ی علایی.....
۷۰ ۲-۳-۴. لفظ مفرد و معنی مفرد.....
۷۱ ۳-۳-۴. لفظ مرکب و معنی مرکب.....
۷۲ ۴-۳-۴. لفظ کلی و لفظ جزوی.....
۷۴ ۵-۳-۴. کلی ذاتی و عرضی.....
۷۵ ۶-۳-۴. جنس و نوع و فصل و خاصه و عرض.....
۷۶ ۷-۳-۴. حد و رسم.....
۷۸ ۸-۳-۴. نام، کنش، حرف.....
۸۰ ۹-۳-۴. انسان و قوای ادراک درونی در فلسفه سینایی.....
۸۲ ۱۰-۳-۴. قوای ادراک درونی به نقل از شرح قصه‌ی حی بن یقظان.....
۸۶ ۱۱-۳-۴. جمع‌بندی بحث منطق دانشنامه‌ی علایی.....
۸۷ ۴-۴. مؤلفه‌های توصیف دانش زبان در شش باب نخست الکتاب.....

۸۹۱-۴-۴. بررسی و تحلیل باب اول /الکتاب: دانش کلمه.
۹۰۱-۴-۴. کلمه.
۹۲۲-۴-۴. انواع کلمه در برابر اجزای کلام.
۹۳۳-۴-۴. تأکید بر اسم.
۹۵۴-۴-۴. اهمیت فلسفی اصطلاح حرف.
۹۷۵-۴-۴. کلمه و توصیف ساختار زبان.
۱۰۰۶-۴-۴. ساختار فعل و شرح زمان.
۱۰۲۷-۴-۴. اهمیت دسته‌بندی سه‌گانه کلمه.
۱۰۴۸-۴-۴. جمع‌بندی باب اول /الکتاب.
۱۰۶۲-۴-۴. بررسی و تحلیل باب دوم /الکتاب: مجرا و کلمه.
۱۰۷۱-۲-۴-۴. مجرا و جایگاه پایانی کلمه.
۱۰۸۲-۲-۴-۴. نقش (معنا) و صورت.
۱۰۹۳-۲-۴-۴. مفهوم منطقی عامل.
۱۱۱۴-۲-۴-۴. واحد دوشقی و مفهوم عمل.
۱۱۶۵-۲-۴-۴. همانندی فعل و اسم (قیاس).
۱۱۷۶-۲-۴-۴. حرف تصریف.
۱۱۸۷-۲-۴-۴. شواهد زبانی.
۱۱۹۸-۲-۴-۴. الگوی فعل همانند [مضارع].
۱۲۱۹-۲-۴-۴. اصطلاح جایگاه [موضع].
۱۲۳۱۰-۲-۴-۴. کارکرد رمز یا تأویل در /الکتاب.
۱۲۴۱۱-۲-۴-۴. شواهد قرآن کریم در /الکتاب.
۱۲۵۱۲-۲-۴-۴. جایگاه [موقع] و مفهوم انتزاعی فاصله [بعد].
۱۲۸۱۳-۲-۴-۴. دسته‌بندی سه‌گانه زمان.
۱۲۹۱۴-۲-۴-۴. نمود نحوی، نمود معنایی.
۱۳۰۱۵-۲-۴-۴. بررسی هم‌زمان سطوح زبان.
۱۳۲۱۶-۲-۴-۴. مقدماتی بودن، تواتر رخداد قاعده و میزان قدرت.
۱۳۴۱۷-۲-۴-۴. جانشینی [عوض]، مرتبه [منزلت] و دید عمودی.
۱۳۷۱۸-۲-۴-۴. ارزش اصطلاحات زبان‌شناسی در باب دوم /الکتاب.
۱۳۸۱۹-۲-۴-۴. نظیر و مقایسه‌های منطقی.
۱۴۰۲۰-۲-۴-۴. نشان [علامت].
۱۴۲۲۱-۲-۴-۴. روساخت سطحی معتبر در تبیین زبان.

- ۱۴۵ مرزبندی میان اسم و فعل ۲۲-۲-۴-۴
- ۱۴۶ وزن و نخستی بودن اسم نسبت به فعل ۲۳-۲-۴-۴
- ۱۴۸ کلام، واحد معنایی مستقل ۲۴-۲-۴-۴
- ۱۴۹ کلام، گفتار، زبان ۲۵-۲-۴-۴
- ۱۵۰ رابطه اسم و کلام ۲۶-۲-۴-۴
- ۱۵۱ اول بودن، بی نشان بودن ۲۷-۲-۴-۴
- ۱۵۳ اسم ۲۸-۲-۴-۴
- ۱۵۴ جمع بندی باب دوم / کتاب ۲۹-۲-۴-۴
- ۱۵۸ بررسی و تحلیل باب سوم / کتاب: بسته و وابسته ۳-۴-۴
- ۱۵۹ رابطه وابستگی یا اسنادی ۱-۳-۴-۴
- ۱۶۱ اسم مبتدا ۲-۳-۴-۴
- ۱۶۱ مرتبه ابتدا ۳-۳-۴-۴
- ۱۶۲ ابتدا، نخستین حالت و نخستین جایگاه اسم ۴-۳-۴-۴
- ۱۶۴ اول بودن ابتدا و یک [واحد] و تقدّم نکره بر معرفه ۵-۳-۴-۴
- ۱۶۶ جابه جایی بسته و وابسته یا دوم شدن ابتدا ۶-۳-۴-۴
- ۱۶۶ جمع بندی باب سوم / کتاب ۷-۳-۴-۴
- ۱۶۹ بررسی و تحلیل باب چهارم / کتاب: لفظ (صورت) برای معنا ۴-۴-۴
- ۱۶۹ شرح روابط معنایی ۱-۴-۴-۴
- ۱۷۲ جمع بندی باب چهارم / کتاب ۲-۴-۴-۴
- ۱۷۳ بررسی و تحلیل باب پنجم / کتاب: رخدادهای لفظی ۵-۴-۴
- ۱۷۳ رخدادهای لفظی در کلمه ۱-۵-۴-۴
- ۱۷۴ زبان و گفتار ۲-۵-۴-۴
- ۱۷۶ جمع بندی باب پنجم / کتاب ۳-۵-۴-۴
- ۱۷۷ بررسی و تحلیل باب ششم / کتاب: استقامت کلام و ناممکن بودن ۶-۴-۴
- ۱۷۷ کلام و ناممکن بودن ۱-۶-۴-۴
- ۱۷۸ استقامت کلام و درجات دستوری بودن ۲-۶-۴-۴
- ۱۸۰ کلام در / کتاب و متن در نقش گرایبی ۳-۶-۴-۴
- ۱۸۱ مستقیم، نیک، نادرست، بد، ناممکن ۴-۶-۴-۴
- ۱۸۵ کاربرد برچسب های کلامی / کتاب در ادبیات معاصر ۵-۶-۴-۴
- ۱۸۸ شناخت و کارآیی توصیفی ۶-۶-۴-۴
- ۱۸۹ جمع بندی باب ششم / کتاب ۷-۶-۴-۴

۵. نتایج پژوهش

۱۹۲ ۱- ۵ خلاصه پژوهش
۱۹۴ ۲- ۵ ارزیابی فرضیه‌ها
۲۰۳ ۳- ۵ بحث و بررسی نتایج پژوهش
۲۰۳ ۱-۳- ۵ تطبیق مؤلفه‌های مشترک میان رویکردهای سنتی و معاصر
۲۰۴ ۲-۳- ۵ مؤلفه‌های بارز در نظریهٔ زبانی سیبویه
۲۰۶ ۳-۳- ۵ فرضیه‌های پیشنهادی
۲۰۶ ۴- ۵ محدودیت‌های پژوهش
۲۰۷ ۵- ۵ طرح موضوع برای پژوهش‌های آینده
۲۰۹ کتابنامه
۲۲۲ واژه‌نامهٔ انگلیسی

فصل اول : کلیات پژوهش

باغ ما در طرف سایه دانایی بود.

۱-۱. مقدمه

ایرانیان، از دیرباز، به مجموعه دانش‌هایی که امروزه در حوزه‌های گوناگون مطالعه زبان (مثلاً: زبان‌شناسی، ادبیات، ترجمه، و مانند آنها) قرار می‌گیرد توجه نشان داده‌اند. مشاهده سنگ‌نوشته‌هایی که قدمت بسیاری از آنها به چندین هزار سال می‌رسد نمایانگر توجه ایرانیان به اهمیت زبان است. مشاهده سیر مراحل تکامل خط، سرودهای باستانی، ترجمه میان زبان‌های مختلف و یا دوره‌های مختلف زبان فارسی، تهیه و تدوین فرهنگ‌های لغت، و واژه‌سازی همگی شواهدی از وجود تاریخی درخشان درزمینه دانش زبان^۱ است.

بررسی سیر مراحل تغییر و تکامل خط فارسی، از گذشته‌های دور تا هم‌اکنون، نشان می‌دهد که ایرانیان به اهمیت خط و نگارش و دانش مربوط به آن یعنی، مثلاً، شناخت هجاها و یا آوای زبان آگاه بوده‌اند. تدوین الفبای خط میخی فارسی باستان از الفبای اکدی و یا تدوین الفبای خط اوستایی از روی الفبای پهلوی کتابی و زبوری تأییدی بر این ادعا است. گفته شده که الفبای فارسی باستان، که یک الفبای هجایی بوده است، دارای سه نشانه برای نمایش سه مصوت کوتاه [a],[e],[o] بوده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۵). الفبای خط اوستایی نیز برای هر یک از آوای اوستایی یک نشانه داشته است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۱۷). هر دو این موارد گویای توجه ایرانیان به موضوع شناخت آواها و نیز واجگونه‌های زبان است.

^۱ منظور از اصطلاح دانش زبان، که در این رساله کاربرد بسیار دارد، مجموعه شاخه‌های مربوط به مطالعه زبان است که امروزه هر یک در رشته‌های مختلفی چون: ادبیات، زبان‌شناسی، آموزش زبان، ترجمه، فرهنگ‌نگاری، و مانند آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. این اصطلاح پوششی برگرفته از *احصاء العلوم ابونصر فارابی* است (نک ۲-۴).

کاربرد زبان شعر در سرودهای گاهان، که منظوم به نظم هجایی است، (همان: ۳۳) و یا کاربرد تشبیه و استعاره برای انتقال مفاهیم انتزعی در اوستا نشانه آن است که ایرانیان، از گذشته‌های دور، علاوه بر کاربرد ارتباطی زبان، به جنبه‌های هنری آن نیز توجه داشته‌اند. به‌عنوان مثال، در بخشی از سرودهای گاهان می‌خوانیم:

آری آن دو گوهر غیر مادی آغازین
که با هم در حال تجرد و رؤیا بودند پدیدار و آشکار شدند [اشاره به دو موجود مثالی]
در اندیشه و گفتار و کردار، یکی نیک و دیگری بد است
از این دو نیکوکاران هستند که شیوه درست را برمی‌گزینند و نه زیانکاران (یسنا/هات سی‌ام) (ساسانفر، ۱۳۹۰: ۱۸۵)

شرح این نوع مفاهیم انتزاعی با زبان شعر و استعاره نمایانگر تکامل و غنای یک زبان و نیز رشدیافتگی بعد معنائشناسی آن است.

ترجمه کتیبه‌های کهن به چندین زبان مثلاً، کتیبه داریوش بر کوه بیستون، که به سه زبان فارسی باستان، اکدی، و عیلامی است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۴: ۱۸)، نشان می‌دهد که ایرانیان به مسئله تفاوت زبان‌ها و موضوع ترجمه نیز اهمیت داده‌اند و سنت ترجمه، از همین دوره تاریخی، قابل بحث و بررسی است. ترجمه آثار متعدد میان زبان‌های هندی، فارسی، یونانی، و عربی و نیز ترجمه آثاری میان دوره‌های تاریخی مختلف زبان فارسی تأییدی بر این ادعا است. ترجمه و تفسیر اوستا^۱ به فارسی میانه، در سده هشتم میلادی (متون زند)، و یا ترجمه کتاب زبور و نوشته‌های مانوی به فارسی میانه در همین دوران (همان: ۲۱-۲۲) نمونه‌هایی از این ترجمه‌هاست. ترجمه آثاری از زبان سنسکریت به پهلوی (کلیله و دمنه، طوطی‌نامه)؛ یونانی به پهلوی (منطق ارسطو)؛ پهلوی به فارسی (اسکندرنامه، سمک عیار)؛ و پهلوی به عربی (خدای‌نامه، تاج‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها) (محمدی‌ملایری، ۱۳۷۲: ج ۱، ۷۲-۷۵؛ ۱۳۷۴: ۱۴۹-۱۶۴؛ صفا، ۱۳۵۱: ج ۱، ۱۰۸) مثال‌هایی دیگر در این زمینه است.

وجود دو فرهنگ لغت/وییم/یوک و فرهنگ پهلوی، که البته در دوره‌های متأخر گردآوری شده‌اند، و یا کتاب العین خلیل‌ابن‌احمد فراهیدی، که قدیمی‌ترین کتاب لغت در زبان عربی است، نشان می‌دهد که ایرانیان حقیقتاً به حوزه‌های کاملاً متفاوت مطالعات زبانی توجه نشان داده و بدانها

^۱ برای ترجمه اوستا به فارسی میانه واژه‌های فراوانی در برابر واژه‌های قدیمی و منسوخ اوستا ساخته شده است. بنابراین، در این ترجمه به موضوع واژه‌سازی، که در مطالعات زبانی دارای جایگاه ویژه است، توجه شده است (راشدمحصل، درس‌گفتارهای تاریخ مطالعات دانشمندان ایرانی).

پرداخته‌اند. انواع فرهنگ‌ها و روش و دلایل نگارش آنها و به‌طور کلی، سیر مراحل تکامل فرهنگ‌نویسی در ایران خود دارای تاریخی مشخص و قابل بررسی است.

توجه به آثار هندیان درزمینه‌های آواشناسی و تدوین دستور زبان گویای اهمیت ایرانیان به دانش زبان نزد دیگر ملت‌ها و نیز گویای انتقال یک سنت دیرپای هندوایرانی است. گفته شده است که ایرانیان قرن‌ها پیش از اروپائیان با دانش زبان‌شناختی هندی آشنا شده و در این زمینه آثاری هم پدید آورده‌اند.

در قرن‌های نخست هجری، دانش و ابتکاری که درزمینه مطالعه دانش زبان حاصل نوآوری‌های اندیشه ایرانیان و نیز حاصل برخورد و تماس آنان با دیگر ملت‌ها به‌ویژه یونان و هند بوده است، در زبان عربی به رشد و بالندگی خود ادامه می‌دهد. در این دوران، آثاری مانند: *الکتاب سیبویه*، *مخارج الحروف ابن سینا*، *العین و العروض خلیل‌بن‌احمد* فراهیدی پدید می‌آید که همگی آنها در زمره آثار کلاسیک ایران و جهان قرار دارند.^۱ گفته شده است که در این دوران مطالعه دانش زبان پیشرفت سریعی داشته است.

آن زمان که در دوره پیش از عصر نوزایی، ابتدای قرن ۱۶، یعنی هشت قرن پس از سیبویه، تا ابتدای قرن ۲۰ [زبان‌شناسی در غرب بر جنبه‌های لایزال و آسمانی زبان تأکید داشت، مسلمانان به‌دقت به بررسی جنبه‌های فیزیکی و این جهانی زبان می‌پرداختند. محققان اروپایی... زمانی به مطالعه‌ی جنبه‌ی صوری زبان رو آوردند که دیگر برای مسلمانان تازگی نداشت... آرای زبان‌شناختی مسلمانان در قرون وسطی، به صورت غیرمستقیم و از طریق مطالعات یهودیان درباره‌ی زبان عبری به اروپا راه یافت و مهم‌ترین عامل در این میان خانواده‌ی قمحی^۲ بود که در اسپانیا ساکن بودند. یوسف‌بن‌اسحاق قمحی (۱۱۰۵-۱۱۷۰ م.) [چهار قرن پس از سیبویه و نیم قرن پس از ابن‌سینا] روش آواشناسی مسلمانان را در مطالعه‌ی زبان عبری به کار بست. پسرش موسی قمحی (متوفی ۱۱۹۰ م.) برپایه‌ی *الکتاب سیبویه* دستوری برای زبان عبری تدوین کرد و پسر دیگرش داود قمحی (۱۱۶۰-۱۲۳۵ م.)، مهم‌ترین و مشهورترین کتاب دستور زبان عبری را به نام *کمال* به رشته‌ی تحریر درآورد. او در این کتاب به صراحت بر الگوگیری از محققان زبان عربی تأکید می‌کند (صفوی، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۲).

آثاری که توسط اندیشمندان ایرانی در حوزه‌های مختلفی چون قواعد دستور، آواشناسی، معانی و بیان، بدیع، عروض و نظام وزنی، انواع روش‌های فرهنگ‌نویسی، و دیگر حوزه‌های مربوط به مطالعه دانش زبان در ادوار مختلف تاریخی پدید آمده است گویای تاریخی درخشان در حوزه‌ی زبان‌شناسی و

^۱ آنچه از آغاز تا این بخش از بحث ارائه شد، گزیده‌ای از درس‌گفتاری‌های راشد‌محصل درزمینه تاریخ مطالعات دانشمندان ایرانی است.

^۲ Qimhi

علوم وابسته است؛ تاریخی که هرگز جایگاه مناسبی در مطالعات تاریخ زبان‌شناسی نداشته (نک حق‌شناس، ۱۳۷۰؛ ۱۳۸۷) و حقیقتاً نیازمند بازخوانی است. اهمیت بازخوانی این متون آشنایی با "سنت فکری" (مجتهدی، ۱۳۸۵: ۶۲-۶۳) اندیشمندان ایران در دوره مذکور و شناخت سیر تحوّل آن و نیز شناخت داشته‌ها و نداشته‌های این سنت است. این شناخت نه ابزاری برای تفاخر فرهنگی، بلکه مسیری برای خودشناسی و پشبرد دانش معاصر است. پژوهش حاضر نمونه‌ای در این زمینه است.

۲-۱. مسئله مورد پژوهش و ضرورت آن

چنان‌که شرح داده شد، مطالعه دانش زبان در ایران از قدمت بسیار برخوردار است، اما دانش معاصر زبان‌شناسی هیچ ارتباطی را با مطالعه دانش زبان توسط اندیشمندان ایرانی شرح نمی‌دهد و فی‌نفسه به‌صورت یک دانش کاملاً مستقل و غیربومی جلوه‌گر می‌شود. شاید یکی از دلایل این مسئله آن است که ارتباط و تناسب میان دستاوردهای گذشتگان ما و آنچه که دانش نوین زبان‌شناسی نامیده می‌شود هنوز به‌درستی شناخته نشده است. اگر این سخن صحیح باشد، آنگاه بازخوانی کیفی متون گذشته باید بتواند ارتباط و تناسب میان این دو را شرح دهد؛ در آن صورت، بازخوانی متون گذشته می‌تواند سهمی در بومی‌سازی دانش معاصر بیابد و این مطلب - یعنی، بومی‌سازی دانش معاصر زبان‌شناسی از طریق بازخوانی تاریخ مطالعه این دانش در ایران - مسئله‌ای است که در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است.

ضرورت پرداختن به این مسئله ضرورت پیشبرد مطالعه زبان فارسی و شرح ساختار آن است. زبان‌شناسی معاصر، که به‌عنوان مطالعه علمی زبان معرفی می‌شود، هنوز شناخت جامع و کاملی از پیشینه تاریخی خود به دست نیاورده است. اما کسب یک دانش و پیشبرد آن، بدون مطالعه جامع و کامل تاریخ آن دانش، چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ هنگامی که این پیشینه به‌نحوی به زبان فارسی مربوط باشد، نقش بیشتری در مطالعه آن خواهد داشت.

در پنجاه سال اخیر، در مراکز اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی دانشگاه‌های آمریکا و انگلستان، برخی از آثار شخصیت‌های تاریخی زبان‌شناسی ایران - و البته دیگر کشورها - تحت عنوان کلی "تاریخ زبان‌شناسی عرب" مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. اگرچه صحت انتخاب این عنوان خود موضوعی نیازمند بررسی است، لیکن به‌هرحال، این پژوهش‌ها دستاوردهایی به‌صورت کتاب و مقاله، در حجم انبوه، داشته است. این مطلب خود گویای ضرورت توجه پژوهشگر ایرانی به این موضوع و بررسی مطالعات انجام‌شده با رویکرد انتقادی است. امروزه، نگاه منتقدانه به مطالعات شرق‌شناسان

ضرورت یافته و برخی معتقدند که مطالعات شرق‌شناسان در نهایت مخاطب را خواسته و ناخواسته به شرقی می‌رساند که "آفریده غرب است، شرق‌شناسی انگلیسی، شرق‌شناسی آمریکایی، شرق‌شناسی روسی و فرانسوی و پرتغالی" (سعید، ۱۳۶۱: ۱۱). وجود سابقه استعمار و بهره‌گیری از دسترنج دیگر ملت‌ها در تاریخ تمامی کشورهای مذکور خود بیانگر ضرورت ارزیابی دقیق یافته‌های پژوهش‌های شرق‌شناسی و اهداف آنهاست.

ضرورت دیگر این پژوهش تلاش درزمینه غنای زبان فارسی است. یکی از روش‌های غنای هر زبان احیای مفاهیم، تعریف‌ها، و فهرست اصطلاحات بومی است که در یک زبان موجود است و مطالعه تاریخ علمی می‌تواند چنین نقشی را ایفا کند. به‌عنوان مثالی در این زمینه، می‌توان به مفهوم «خرد» اشاره کرد. کلمه خرد، که در اصطلاح «خردگرایی» در برابر «تجربه‌گرایی»^۱ (هر دو از مبانی اصلی زبان‌شناسی معاصر) به کار می‌رود، در فرهنگ ایرانی نیز دارای معنا و پیشینه‌ای مشخص است. به‌عنوان مثال، در خوانش یا تفسیری از سرود یکم گاهان، بند یکم، یعنی، سرآغاز این کتاب معنوی آمده است که:

با نیایش و دست‌های برافراشته، ای مزدا
نخست یاری و پشتیبانی سپنتا مئینو (گوهر پاک) را درخواست می‌کنم
که همه کارها و کردارم هماهنگ با اشا (راستی) و وهومن (خرد کل)^۲ باشد (گاتاها/سرود یکم) (ساسانفر، ۱۳۹۰: ۵۵)

و یا در سرآغاز شاهنامه آمده است که:

کنون ای خردمند ارج خرد/ بدین جایگه گفتن اندر خورد
خرد بهتر از هرچه ایزدت داد/ ستایش خرد را به از راه داد (فردوسی، ۱۳۸۶: ۴)

آیا اصطلاح خرد، که در این نوع آثار کلاسیک یا تفاسیر آنها به کار رفته است، به معنایی متفاوت از اصطلاح خرد در خردگرایی اشاره دارد یا خیر؟ اگر پاسخ مثبت است، آیا این معنای متفاوت نقشی در توصیف زبان خواهد داشت؟ پاسخ به این نوع پرسش‌ها می‌تواند از طریق احیای مفاهیم بومی نقشی در غنای زبان فارسی داشته باشد.

¹ rationalism vs. empiricism

² xratum

۳-۱. قلمرو زمانی و مکانی پژوهش

قلمرو زمانی پژوهش حاضر اواخر دوره ساسانی (۶۵۱-۲۲۴م) تا پایان قرن چهارم هجری است. در این دوره تاریخی، که هم‌زمان با حمله اعراب به ایرانیان است، بخش مهمی از تاریخ علمی ایران رقم خورده است؛ آثار متعددی به زبان‌های فارسی و عربی در علوم مختلف پدید آمده و نیز متون علمی متعددی میان زبان‌های فارسی، عربی، و یونانی ترجمه شده است. در این دوران، شخصیت‌هایی زیسته‌اند که پژوهش در زمینه آثار و افکار آنان هم‌اکنون هم در محافل علمی ایران و جهان رواج دارد.

قلمرو مکانی این پژوهش سرزمین‌های تحت تسلط دولت مرکزی ایران در دوره تاریخی مورد بررسی است. می‌دانیم که قلمرو جغرافیایی ایران در اوج شکوه و قدرت دولت ساسانی بسیار پهناورتر از ایران امروز بوده است. این قلمرو پهنه وسیعی از آسیای باختری بوده و در سال‌های پایانی حکومت ساسانی گستره‌ای نزدیک به امپراتوری هخامنشی داشته است. پایتخت ایران در این دوره شهر تیسفون (به عربی مدائن)، در نزدیکی بغداد، بوده است.

۴-۱. موضوع پژوهش و اهداف آن

موضوع این پژوهش بازشناسی و شرح مجموعه سازه‌ها یا مؤلفه‌هایی است که بتواند مبانی نظری سنت مطالعه دانش زبان در ایران را، در حد امکان، معرفی نماید. آشکار است که، در گستره زمانی و مکانی که در بخش پیش (۱-۳) بدان اشاره شد، آثار متعددی وجود دارد که شرح و بررسی هر یک از آنها می‌تواند نمونه‌ای برای این موضوع باشد. از میان این آثار، بخش‌های مشخصی از سه اثر متفاوت به‌عنوان نمونه انتخاب شده و، به‌صورت تطبیقی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این سه اثر و بخش‌های برگزیده از هر یک عبارت‌اند از:

۱. *احصاء العلوم*، اثر ابونصر فارابی (۲۵۷-۳۳۸ق برابر با ۸۷۰-۹۵۰م) (دو فصل نخست، صفحات

۱ تا ۷۴) (فارابی، ۱۳۸۹)؛

۲. *منطق دانشنامه علایی*، اثر حسین بن عبدالله بن سینا (۳۷۰-۴۲۸ق برابر با ۹۸۰-۱۰۳۷م) (از

آغاز اثر تا پایان مبحث لفظ مفرد، صفحات ۱ تا ۳۲) (ابن سینا، ۱۳۸۳)؛

۳. *الکتاب*، اثر سیبویه (۱۴۰-۱۸۰ق برابر با ۷۶۰-۷۹۶م) (شش فصل نخست، صفحات ۱ تا ۸)

(سیبویه، ۱۳۱۶ق).

در بررسی این سه اثر، *الکتاب*، که یک متن تخصصی زبان‌شناسی است، بیش از دو اثر دیگر مورد تأکید قرار خواهد گرفت. این بدان سبب است که در *الکتاب* قطعاً مؤلفه‌ها و ابزارهای نظری متعددی وجود دارد که مربوط به حوزه توصیف زبان است. بنابراین، بازشناسی سازه‌ها یا مؤلفه‌های رویکرد زبانی سیبویه، احتمالاً، می‌تواند بخش قابل توجهی از مبانی سنت مورد نظر را شرح دهد.

اهداف این پژوهش به اختصار عبارت‌اند از:

۱. دستیابی به مؤلفه‌های سنت فکری اندیشمندان ایران در حوزه مطالعه دانش زبان؛
۲. احیای این سنت فکری به منظور شرح ارتباط میان این سنت و یافته‌های زبان‌شناسی معاصر.

۵-۱. نوع پژوهش و کاربردهای آن

این تحقیق، بدان سبب که به بررسی پیکره‌ای از متون مربوط به تاریخ دانش زبان‌شناسی می‌پردازد و در جستجوی شناخت حقایق مربوط به پژوهش‌های تاریخ این علم است، یک تحقیق بنیادی محسوب می‌شود. البته، این پژوهش می‌تواند کاربردهای خاص خود را نیز داشته باشد که مهم‌ترین مورد آن نشر مقاله و یا کتاب در این زمینه است؛ پدید آوردن این نوع آثار می‌تواند مطالب خواندنی بومی (عمومی و یا آموزشی) در اختیار پژوهشگران رشته زبان‌شناسی، در ایران، قرار دهد. علاوه بر آن، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، اخیراً پژوهش‌های متعددی در آمریکا و انگلستان در زمینه «معرفی شخصیت‌های ایرانی در تاریخ زبان‌شناسی جهان» انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها به دلایل گوناگون - که در اینجا موضوع بحث نیست - دارای سوگیری‌های خاص است؛ بنابراین، انجام پژوهش‌های بنیادی در این زمینه، در ایران، امکان ارزیابی و نقد این نوع تحقیق‌ها را فراهم می‌آورد و این یکی از کاربردهای چنین پژوهش‌هایی است.

کاربرد دیگر این پژوهش نقش آن در غنای زبان فارسی است. این مهم، از طریق زنده شدن مفاهیم، تعریف‌ها، و الگوهای سنتی توصیف زبان؛ به کارگیری این الگوها در توصیف زبان فارسی؛ و نیز تطبیق این موارد با مفاهیم و الگوهای زبان‌شناسی معاصر امکان‌پذیر است.

۶-۱. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

پرسش‌ها و فرضیه‌هایی که در این پژوهش مطرح شده است عبارت‌اند از:

۱. پراکندگی مؤلفه‌های مربوط به مطالعه دانش زبان در بخش‌های برگزیده از متون مورد بررسی چگونه است؟

فرضیه: بخش‌های برگزیده از متون مورد بررسی شامل مؤلفه‌های متعددی در ارتباط با مطالعه دانش زبان است.

۲. در بخش برگزیده از *الکتاب*، چه شواهد زبان‌شناختی وجود دارد که گویای ارتباط یا همسویی این اثر با حکمت ایران باستان است؟

فرضیه: در بخش برگزیده از *الکتاب*، شواهد زبان‌شناختی وجود دارد که ارتباط یا همسویی این اثر را با حکمت ایران باستان نشان می‌دهد.

۳. چه تفاوتی میان همگانی‌های زبانی (زیرساخت‌های منطقی) در بخش برگزیده از *الکتاب* و موارد مشابه آنها در متون منطقی یونانی مشاهده می‌شود؟

فرضیه: تفاوتی میان همگانی‌های زبانی (زیرساخت‌های منطقی) در بخش برگزیده از *الکتاب* با موارد مشابه در متون منطق یونان مشاهده نمی‌شود.

۴. مؤلفه‌های مربوط به مطالعه دانش زبان، که بتواند انحصاراً معرف سنت فکری سیبویه باشد، کدام است؟

فرضیه: در بخش برگزیده از *الکتاب* مؤلفه‌هایی مربوط به مطالعه دانش زبان وجود دارد که، انحصاراً، معرف سنت فکری سیبویه است.

۷-۱. ساختار پژوهش

۱-۷-۱. ارتباط میان متون مورد بررسی

میان آثار برگزیده برای این پژوهش یعنی، رساله‌های *احصاء العلوم*، *منطق دانشنامه‌ی علایی*، و *الکتاب* ارتباط مشخصی وجود دارد. در میان این سه اثر، نخستین رساله‌ای که برای این پژوهش انتخاب شده است رساله *منطق دانشنامه‌ی علایی* (ابن‌سینا، ۱۳۸۳) است. این رساله به زبان فارسی نگاشته شده است. این اثر، که چنان‌که از نام آن مشخص است، به موضوع منطق اختصاص دارد، با یک بحث کلی زبان‌شناسی آغاز می‌شود. اما، چرا ابن‌سینا این رساله منطقی را با یک بحث کلی زبان‌شناسی آغاز

نموده است؟ این مطلب - یعنی، آغاز شدن منطق با مباحث کلی زبان‌شناسی - در بسیاری از رساله‌های منطقی این دوران نیز قابل مشاهده است. به‌عنوان مثال، رساله *منطق المشرقیین*^۱ (ابن‌سینا، ۱۹۸۲) و یا رساله *الالفاظ المستعمله فی المنطق* (فارابی، ۱۳۸۸) و بسیاری از دیگر رساله‌های منطقی این دوران با مباحث کلی زبان‌شناسی آغاز می‌شوند. اما، چرا این رساله‌ها با بحث زبان‌شناسی آغاز شده‌اند؟ و این مباحث با کدام بخش از دانش نوین زبان‌شناسی قابل قیاس‌اند؟

یکی از صریح‌ترین پاسخ‌هایی که برای این پرسش‌ها می‌توان یافت مطالبی است که ابونصر فارابی در فصل‌های آغازین رساله *احصاء العلوم* بیان داشته است. فارابی (۱۳۸۹: ۵۹-۶۰)، در ابتدای *احصاء العلوم*، شرح می‌دهد که آن بخش از مباحث منطقی که مستقیماً به طرح و بررسی مباحث زبانی می‌پردازد شرح اصول مشترک زبان (همگانی‌های زبانی) است و این مفاهیم، هم مقدمات دانش منطق است و هم بخشی از دانش زبان. بنابراین، پاسخ این دو پرسش که: «چرا در آغاز منطق *دانشنامه* علایی به مسائل زبان‌شناختی پرداخته شده است و این مباحث با کدام بخش از دانش نوین زبان‌شناسی قابل قیاس است؟» مشخص می‌شود. این بخش برابر با مبحث همگانی‌های زبان‌شناسی است که، در گذشته، به‌عنوان مقدمات منطق شناخته می‌شده است. بدین ترتیب، ارتباط میان انتخاب این دو اثر (*احصاء العلوم* و *منطق دانشنامه علایی*) مشخص می‌شود و آن اینکه: «بخشی از منطق *دانشنامه علایی* یک متن تاریخی زبان‌شناسی است، که به زبان فارسی نوشته شده است، و در *احصاء العلوم* ابونصر فارابی مطالبی مطرح شده است که صحت این برداشت را مورد تأیید قرار می‌دهد». در *احصاء العلوم*، همچنین، شرحی در مورد جایگاه و نقش تاریخی این نوع آثار منطقی در کل پیکره مطالعات زبانی ارائه شده است.

اثر دیگری که در این پایان‌نامه، بخشی از آن، مورد بررسی قرار گرفته *الکتاب سیبویه* (۱۳۱۶ق) است. ارتباط میان *الکتاب* و دو اثر دیگری که برای این پژوهش انتخاب شده است ارتباطی است که میان مطالعه زبان، فلسفه، و منطق وجود دارد. چنان‌که شرح داده شد، منطق *دانشنامه علایی* به موضوع منطق و شرح همگانی‌های زبان اختصاص دارد و در فصل نخست *احصاء العلوم*، چيستی "دانش زبان" و "دانش منطق" و ارتباط میان آن دو توضیح داده می‌شود. از سوی دیگر، فارابی و ابن‌سینا به دلیل نظریات خود در حوزه فلسفه بسیار شهرت دارند و نه مطالعه زبان. حال باید پرسید: چه رابطه‌ای میان مطالعه منطق، زبان، و فلسفه وجود دارد که این دو اندیشمند بخش‌های معناداری از پژوهش‌های خود

^۱ رساله *منطق المشرقیین*، که از منظر مطالعات زبان‌شناختی بسیار حائز اهمیت است، تنها بخش بازمانده از این اثر است؛ سایر بخش‌های این رساله از میان رفته است.

را به مطالعه زبان اختصاص داده‌اند؟ آیا ارائه پاسخی برای این پرسش، در قالب اصطلاحات و توصیف‌های زبان‌شناسی، ممکن است یا خیر؟

در پاسخ به این‌گونه پرسش‌هاست که در این پژوهش بخشی از متن *الکتاب*، به‌عنوان سومین اثر، انتخاب شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. *الکتاب* یک متن تخصصی مطالعه زبان است که توصیفی فلسفی-منطقی از زبان ارائه می‌دهد. *الکتاب* ارتباط میان زبان، منطق، و فلسفه را نه در قالب اصطلاحات منطقی و فلسفی، بلکه در قالب اصطلاحات زبان‌شناسانه توضیح می‌دهد. بدین ترتیب، ارتباط منطقی میان آثار برگزیده برای این پژوهش مشخص می‌گردد.

۱-۷-۲. مطالبی پیرامون سبک نگارش

در نگارش این رساله موارد خاصی رعایت شده است که شرح آن در این بخش ضروری می‌نماید. مورد نخست، تکرار برخی از معادل‌های عربی و انگلیسی در متن رساله است. از آنجایی که این پژوهش دارای رویکرد تطبیقی است بنابراین، پیوسته مقایسه‌هایی میان اصطلاحات به کار رفته در متون کهن و اصطلاحات زبان‌شناسی معاصر انجام می‌شود. گاهی یک اصطلاح سنتی دارای چندین معنای متفاوت است (مثلاً، کلام و حرف) و گاهی چندین اصطلاح سنتی برای شرح مفاهیمی وجود دارد که در زبان‌شناسی معاصر تنها یک معادل دارند (مثلاً، موقع و موضع به معنای هم‌نشینی). این مسئله باعث می‌شود که بسیاری از معادل‌های انگلیسی و عربی، به‌صورت تکراری، در پانویس‌ها و متن رساله ذکر گردد، تا دقیقاً مشخص شود که کدام معنای یک اصطلاح مورد بحث و بررسی است و چه معادلی مثلاً در زبان انگلیسی یا در ترجمه فارسی در برابر آن قرار گرفته است. از سوی دیگر، در این تحقیق اصطلاحاتی به کار رفته است که مربوط به متن‌های تاریخی بوده و برای مخاطب امروز نامأنوس است؛ بنابراین، تکرار معادل‌های مختلف می‌تواند از ایجاد ابهام ناشی از این مسئله پیشگیری نموده و بررسی تطبیقی را ساده‌تر کند. البته، باید این نکته را نیز افزود که هنگامی که برخی از معادل‌های انگلیسی در برابر اصطلاح‌های عربی رایج در فارسی قرار می‌گیرد، اشکال‌هایی را در مطالعه تطبیقی متن‌ها ایجاد می‌کند؛ مثلاً، گاهی یک اصطلاح عربی در زبان فارسی به کار می‌رود، اما معنای آن اصطلاح در زبان فارسی دقیقاً با معنای همان اصطلاح در زبان عربی یکسان نیست. در این‌گونه موارد، به نظر می‌رسد که معادل انگلیسی نادرست انتخاب شده است، درحالی‌که چنین نیست (مثلاً، قرار گرفتن اصطلاح انگلیسی "pronunciation" در برابر اصطلاح عربی [لفظ] که لفظ در زبان فارسی به معنای